شیرازه

## ادبیات، سیاست و روانکاوی

**شرق:** کتاب «وظیفه ادبیات» مجموعه‌ای از مقالاتی است که با انتخاب و ترجمه ابوالحسن نجفی در میانه دهه ۵۰ منتشر شد و پس از انتشار به بحث‌های زیادی در زمینه جایگاه ادبیات و تلقی از آن دامن زد. این کتاب بیست‌وچهار مقاله را از بیست نویسنده و منتقد مهم دربرگرفته و جالب آنکه نجفی این مقالات را به‌گونه‌ای برگزیده که کتاب شامل دیدگاه‌های مختلف و گاه متضاد باشد. «وظیفه ادبیات» چهار بخش مختلف اما به‌هم‌پیوسته است. بخش اول، «ادبیات و واقعیت»، منتخبی است از مهم‌ترین سخنرانی‌هایی که در ماه آگوست ۱۹۶۳ در مجمعی از نویسندگان شرق و غرب به همت «انجمن اروپایی نویسندگان» و به دعوت «اتحادیه نویسندگان شوروی» در شهر لنینگراد (سن‌پترزبورگ) ایراد شد و انعکاسی جهانی یافت و از آن زمان تا امروز مایه بحث‌ها و تفسیرهای بسیار در همه محافل ادبی، چه در غرب و چه در شرق اروپا، بوده است. بخش دوم، «ادبیات چه می‌تواند بکند؟»، شامل همه سخنرانی‌های انجمنی است که سال بعد، به دنبال مباحث مجمع لنینگراد و به دعوت روزنامه کلارته، در پاریس تشکیل شد و جمعی از نویسندگان معروف و صاحب‌نظر فرانسوی در آن شرکت داشتند. بخش سوم، «ادبیات و سیاست»، با یکی از سخنرانی‌های مجمع دیگری از نویسندگان جهان که تقریبا در همان زمان در شهر لاهتی در فنلاند تشکیل شد، آغاز می‌شود و سپس با دو مقاله از دو نویسنده اروپایی که در تأیید یا رد آن نوشته شده و قسمتی از مهم‌ترین مضامین مورد بحث انجمن‌های مذکور را ادامه داده است، خاتمه می‌یابد. بخش چهارم، «افزوده‌ها»، شامل چند مقاله و مبحث دیگر در همین زمینه است که نجفی در ضمن مطالعات خود آنها را از میان کتاب‌ها و نشریه‌های مختلف به منظور توضیح یا تکمیل مطالب این مجموعه انتخاب کرده و در پایان کتاب آورده است. نجفی در درآمد کتاب نوشته همه این سخنرانی‌ها و مقاله‌ها در حقیقت دنباله بحث‌هایی است که خاصه پس از انتشار کتاب «ادبیات چیست؟» ژان پل سارتر آغاز شد. نجفی در بخشی از متن کوتاه ابتدایی‌اش در این کتاب نوشته: «به‌خلاف تصور ساده بسیاری از طرفداران تعهد و مسئولیت، ادبیات عین عمل نیست (ذاتا نمی‌تواند باشد)، بلکه ندا و دعوت است، یعنی جهانی را که متکی بر آن است یا ریشه در آن دارد از مقوله امر واقع به مقوله امر ممکن می‌برد (به سخنرانی برنار پنگو مراجعه شود). جهان چون از رهگذر نشانه (یا کلمه) به صورت داستان یا شعر یا... درآید دیگر عین همین جهانی نیست که می‌بینیم، بلکه هم این جهان است و هم جهانی دیگر. یا همین جهان است که از جای خود بیرون آمده، معلق مانده و مورد سؤال قرار گرفته است. ادبیات جهان را تغییر نمی‌دهد، بلکه آن را استیضاح و مؤاخذه می‌کند (به مقاله ژان ریکاردو و خاصه به مقاله بسیار عمیق رولان بارت مراجعه شود) و از این رهگذر مقدمات تغییر آن را فراهم می‌آورد. در این صورت، مسئله اساسی شاید مسئله تعهد نویسنده نباشد، بلکه مسئله رابطه بسیار ظریفی باشد که تجربه شخصی نویسنده را به واقعیت پیرامون او می‌پیوندد و مسئولیت خاص او را تعریف می‌کند. با این همه، رمان علاوه بر اینکه یک ساخت مستقل (یعنی، بنا به تعابیر مختلف، صناعت یا پویش و پژوهش یا آفرینش) است، در عین حال آینه‌ای است که واقعیت جهان در آن منعکس می‌شود».

«بازی در سپیده‌دم و رؤیا» کتابی است شامل دو داستان بلند از آرتور شنیتسلر که چند سال پیش با ترجمه علی‌اصغر حداد به فارسی برگردانده شده بود و اخیرا چاپ تازه‌ای از آن در نشر نیلوفر منتشر شده است. آرتور شنیتسلر از مهم‌ترین نویسندگان اتریشی و ادبیات آلمانی‌زبان است که در میان مجموعه آثارش بیش از ۲۲ نمایش‌نامه، هشت نوول و تعداد بسیار زیادی داستان بلند و کوتاه و همچنین سه رمان دیده می‌شود. دو نوول «رؤیا» و «بازی در سپیده‌دم» نخستین بار در سال ۱۹۲۶ و ۱۹۲۷ منتشر شدند و از آثار متأخر شنیتسلر به شمار می‌روند. در «بازی در سپیده‌دم» شنیتسلر یک بار دیگر به موضوع مورد علاقه خود، برد و باخت، ضرورت و تصادف، آرزو و واقعیت، می‌پردازد و در گیرودار آن مسئله بالا و پست زندگی را مطرح می‌کند و در عین حال بر تهی‌بودن آن انگشت می‌گذارد. آن‌طورکه حداد در توضیحات ابتدایی‌اش نوشته، شنیتسلر پیش‌تر در نوول‌های «ستوان گوستل» (۱۹۰۰) و «فرولاین الزه» (۱۹۲۴) هم مانند «بازی در سپیده‌دم» به موضوع بی‌محتوایی «شرافت نظامی» و «عشق آرمانی» در جامعه اشرافی اتریش در قرن ۱۹ پرداخته بود.

«رؤیا» مشهورترین و چه‌بسا پخته‌ترین اثری است که شنیتسلر در آن به روانکاوی شخصیت اثر خود می‌پردازد. اهمیت این اثر به حدی است که آن را تالی ادبی آموزه‌های زیگموند فروید نامیده‌اند. استانلی کوبریک، کارگردان برجسته و فقید سینما، فیلم مشهور خود «چشمان باز ـ بسته» را بر مبنای این نوول ساخت و نام و آوازه آن را دوچندان کرد. حداد در بخشی از پیشگفتارش درباره شیوه کار شنیتسلر نوشته: «شنیتسلر نویسنده‌ای پرکار، بسیار دقیق و منظم بود، تا جایی که طرح‌های اولیه و به‌اصطلاح مشق‌های مقدماتی کارهای خود را با وسواس حفظ می‌کرد. زیرا آن‌طورکه خود در وصیت‌نامه‌اش درباره آثار و نوشته‌های منتشرنشده‌اش آورده است، این مطالب را لااقل از جنبه روان‌شناسی نگارش (همچنین آسیب‌شناسی روانی!) جالب توجه می‌دانست. به‌واقع وجود این طرح‌ها و نوشته‌ها برای پژوهشگران آثار او این امکان را فراهم آورده است که شیوه کارش را دقیقا پیگیری کنند. شنیتسلر ایده اولیه آثار خود را معمولا در قالب یادداشتی کوتاه و اغلب چندسطری روی کاغذ می‌آورد. سپس نسخه اولیه‌ای را که بر مبنای این یادداشت‌ها می‌نوشت، عمدا بایگانی می‌کرد (در سال‌های نخست به‌صورت دست‌نوشته، بعدها در قالب متنی تایپ‌شده که به منشی خود دیکته کرده بود). پس از گذشت زمانی طولانی، اغلب بعد از چند سال، دوباره به سراغ آن می‌رفت و با خطی به سختی تشخیص‌دادنی، حواشی بسیاری بر آن می‌نوشت. متنی را که به این شکل فراهم می‌شد، دوباره روی کاغذ می‌آورد یا به منشی خود دیکته می‌کرد و این روند را چند بار تکرار می‌کرد تا سرانجام متنی درخور انتشار به دست می‌آمد. به این ترتیب، چه‌بسا کار روی هریک از آثار او چند سال به درازا می‌کشید و احتمالا متن نهایی با یادداشت‌های اولیه از هر لحاظ فرق داشت».

**بازی در سپیده‌دم و رؤیا**
آرتور شنیتسلر
ترجمه علی‌اصغر حداد
نشر نیلوفر

**وظیفه ادبیات**
گروهی از نویسندگان
ترجمه ابوالحسن نجفی
نشر نیلوفر

به مناسبت تجدید چاپ پژوهش خسرو شاکری درباره جنبش جنگل

# ریشه‌های شکست جنبش جنگل

پیام حیدرقزوینی

گروهی از اسران جنبش جنگل

جنبش جنگل لحظه مهمی از تاریخ ایران در قرن بیستم است که تأثیری تکوینی هم بر نهادهای سیاسی و هم بر زیربنای ایدئولوژیک سیاست‌های رادیکال در ایران گذاشته است. با این وجود، این جنبش کمتر مورد توجه مورخان و پژوهشگران قرار گرفته است. یکی از پژوهش‌های ارزشمندی که درباره جنبش جنگل منتشر شده، کتاب «میلاد زخم» خسرو شاکری است که چند سال پیش با ترجمه شهریار خواجیان به فارسی منتشر شد و اخیرا چاپ تازه‌ای از آن در نشر اختران منتشر شده است.

به‌طورکلی، خسرو شاکری پژوهش‌های تاریخی‌اش را حول این باور شکل داده که مکتب نواستعماری تاریخ باید ویران و ریشه‌کن شود. در بستر این باور، او در درآمد کتاب «میلاد زخم» با نگاهی انتقادی به شیوه تاریخ‌نگاری مرسوم درباره وقایع ایران می‌گوید حتی اگر این جامعه همچنان آبستن تحولات تازه‌ای باشد، کمتر تلاشی برای درک پویایی‌های زیربنایی آن در طول بیش از یک قرن گذشته به عمل آمده است. او معتقد است برای درک قوانین حاکم بر جامعه و سیاست در ایران، به استفاده از رویکرد چندگانه و کندوکاو عمیق در همه جنبه‌های زندگی ایران در دو قرن اخیر نیاز داریم. همچنین برای تحقیق و تحلیل جامعه ایران در کلیت آن، باید از نقشه‌پردازی برای این جامعه بر اساس الگوهای منبعث از واقعیت‌های غربی خودداری کنیم. ضمن آنکه بررسی ایران معاصر نباید مقید به الزامات سیاست‌های معطوف به قدرت بین‌المللی باشد.

شاکری با نگاهی به مسیرهایی که به غلط طی شده‌اند، می‌گوید درسی که از تاریخ اخیر ایران می‌توان گرفت، به‌خصوص در پرتو پیش‌بینی‌هایی که از ماندگاری رژیم پهلوی تا دهه ۱۳۷۰ می‌گفتند، این است که حتی سیاست‌های معطوف به قدرت بین‌المللی باید بر تحلیل درست، غیرمتعصبانه و علمی و نه توجیهات شبه‌علمی متکی باشد.

شاکری برای برانداختن این روش‌های غالب پژوهشی در تاریخ معاصر ایران و نتایج ایدئولوژیک آنها و نیز به این خاطر که جنبش جنگل یکی از نقاط غبارگرفته تاریخ معاصر ایران است که کمتر مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته، مطالعه درباره این جنبش را در دهه ۱۳۵۰ بر عهده می‌گیرد.

او در «میلاد زخم» نشان می‌دهد تاریخ جنگل تا زمان سقوط رژیم پهلوی تا چه اندازه اسطوره‌پردازی شده بود و نیز تا چه اندازه اسطوره‌های تازه جعل و ساخته می‌شوند. شاکری در این کتاب، نخست به بررسی تاریخ اقتصادی و سیاسی منطقه ساحلی خزر پرداخته که جنبش جنگل از آنجا سر برآورد. او در فصل دوم، تصویری از توانمندی‌ها و دشواری‌های منطقه به دست می‌دهد که بر اثر هجوم سلطه روسیه تزاری و بریتانیا وخامت یافت و به ظهور و سقوط جنبش جنگل کمک کرد. فصل سوم مطالعه شاکری، به تحلیل نقش منطقه خزر در تکاپوی ایران برای دموکراسی در مبارزات مشروطه‌خواهی اختصاص دارد.

او در این دو فصل بر معضلاتی تأکید کرده که ایران در گذار سیاسی از یک جامعه سنتی به جامعه‌ای مبتنی بر الگوی اروپای مدرن، با آنها روبه‌رو شد؛ معضلاتی که نه‌فقط جنبش جنگل، بلکه جنبش بعدی ایران به سوی دموکراسی و نوسازی را احاطه کرده‌اند.

فصل چهارم کتاب به بحث درباره دشواری‌های جنگ جهانی اول و اشغال نظامی ایران می‌پردازد که زمینه را برای احیای جنبش میهنی، این بار به رهبری جنبش جنگل، فراهم آورد. در این فصل، همچنین خاستگاه جنبش و رسیدن یکباره آن به موفقیت‌های جدید تحت تأثیر انقلاب ۱۹۱۷ روسیه مورد بررسی قرار گرفته است. شاکری در فصل دیگری از کتاب، برنامه و ساختار سیاسی جنبش جنگل را بررسی کرده و هم خصلت سنتی و هم مبارزه آن برای پاکسازی کشور از نیروهای خارجی را توصیف کرده است. فصل ششم کتاب به بازسازی رویارویی نظامی نیروهای جنگل با انگلیسی‌ها در دوران فرادستی این کشور می‌پردازد که زمینه را برای طرح‌های خود در به دست گرفتن کنترل ایران به هنگامی فراهم آورد که بلشویک‌ها موقتا نفوذ سنتی روسیه در ایران را می‌زدودند.

فصل هفتم کتاب به بررسی انتقادی تصویری از جنبش جنگل مربوط است که ناظران گوناگون خارجی و دست‌اندرکاران ایرانی از آن به دست داده‌اند و به این وسیله به تحریف تاریخ کمک کرده‌اند. در فصل هشتم به تهاجم دیپلماتیک بلشویک‌ها در ایران و تأسیس حزب کمونیست ایران توجه شده و به بررسی هدف‌ها و نگرش شوروی به جنبش آزادی‌بخش ملی ایران پرداخته شده است. راهبرد شوروی در فصل نهم بررسی شده و در آن به تحلیل رویکرد دوگانه این کشور پس از پیاده‌شدن نیروهایش در ساحل ایرانی خزر پرداخته شده است. در فصل دهم، ضمن بازسازی چگونگی تأسیس جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران، دوراهی جنبش جنگل در مقابل تهاجم شوروی و عقب‌نشینی موقت انگلیسی‌ها بررسی شده است؛ یعنی چیزی که به بازاندیشی مسئله ایران در محافل انگلیسی و مستعمرات آن در هند انجامید.

دو فصل یازدهم و دوازدهم کتاب «میلاد زخم» به بررسی انتقادی دولت ائتلافی جنگلی-کمونیستی، فروپاشی آن و تلاش شوروی در شناور نگه‌داشتن آن طی مذاکرات سه‌جانبه تهران، مسکو و لندن اختصاص دارند. در فصل سیزدهم این مذاکرات بازسازی شده‌اند و در فصل چهاردهم به ردیابی شکل‌گیری و اجرای سیاست نواستعماری انگلیس بر پایه مدارک جدید پرداخته شده است. فصل‌های پانزدهم و شانزدهم به تحلیل سیاست دوگانه شوروی در ایران مربوط است که منجر به نابودی جنبش جنگل و سپس امضای دو قرارداد بزرگ اقتصادی و سیاسی مهم با لندن و تهران شد. در نهایت فصل پایانی کتاب، با ردیابی ریشه‌های داخلی و عوامل خارجی شکست جنبش آزادی‌بخش ملی ایران در پیامد سیاست نواستعماری بریتانیا و تز سوسیالیسم در یک کشور لنین، می‌کوشد تا وزن و تأثیر همه عوامل را ارزیابی کند.

شاکری در فصل پایانی «میلاد زخم»، این استدلال شایان توجه خود را مطرح کرده که عوامل خارجی اگرچه نقش مهمی در جلوگیری از حرکت ایران به سوی آزادی و دموکراسی ایفا کردند، اما نقش تعیین‌کننده‌ای نداشتند. شاکری بر این باور است که ریشه‌های شکست جنبش جنگل و دیگر وقایع مشابه در ایران قرن بیستم را باید در سامان‌های اجتماعی، اقتصادی و ذهنی‌ای یافت که رهبری سیاسی ایران را شکل می‌دهند. بر اساس این دیدگاه است که او می‌گوید می‌توان به شکست جنبش جنگل همچون تولد رژیم پهلوی نگریست که پس از نیم‌قرن و به‌رغم همه ظاهرسازی‌های وارونه، قهقرای تاریخی ضایعه‌باری را به‌ویژه در عرصه فکری به بار آورد.

ریچارد و. کاتم نیز در دیباچه‌ای که برای کتاب «میلاد زخم» نوشته، می‌گوید شاکری می‌خواهد از این خطای رایج که شکست جنبش جنگل را به نیروهای خارجی نسبت می‌دهد، بپرهیزد؛ اگرچه چنین انتسابی با توجه به سیاست‌های مداخله‌جویانه خارجی در ایران آسان به نظر می‌رسد. او معتقد است یکی از هدف‌های مهم شاکری در این اثر، قراردادن سیاست قدرت‌های خارجی در ایران در جایگاه مناسب خودشان است. بخش درخور توجهی از کتاب شرحی از برهم‌کنش و تعامل سیاست خارجی در شوروی در حال ظهور، نفوذ رو به افول بریتانیا و جنبش جنگل است. در بخش‌های مختلف کتاب تلاش شده توصیف کاملی از تحولات سیاست بریتانیا و شوروی در ایران به دست داده شود و در عین حال تلاش شده این پژوهش در دام بزرگ‌نمایی نقش نیروهای خارجی در تعیین سیر تکوین سیاسی و اجتماعی نیفتد. این نکته برای شاکری حائز اهمیت بوده است. کاتم می‌گوید فصل‌های پایانی کتاب نشان از تأسف عمیق بابت ناکامی جامعه ایران در گنجاندن فرهنگ غنی ایرانی در ثمره تغییراتی دیالکتیکی دارد که جامعه را درنوردید.

**میلاد زخم**
جنبش جنگل و جمهوری شوروی سوسیالیستی ایران
**خسرو شاکری**
**ترجمه شهریار خواجیان**
**نشر اختران**

به مناسبت دهمین سالروز درگذشت سیمین بهبهانی

# از شاعران آزادی

**شرق:** سیمین بهبهانی که در تیرماه ۱۳۰۶ متولد شده بود، ده سال پیش و در ۲۸ مرداد ۱۳۹۳ درگذشت تا به این ترتیب شعر و به‌طورکلی ادبیات و فرهنگ ایران یکی از شاخص‌ترین چهره‌هایش را از دست بدهد. بهبهانی در طول چند دهه فعالیت‌اش بیش از ششصد غزل سرود که در حدود بیست دفتر منتشر شده‌اند.

بهبهانی از اعضای برجسته کانون نویسندگان ایران بود و در سه دوره عضو هیئت دبیران کانون بود. او همواره نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی حساس بود و تا پایان عمرش برای آزادی بیان تلاش کرد و در مقابل با محدودیت‌هایی هم روبه‌رو بود. بهبهانی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ یکی از چهره‌هایی بود که با جنبش زنان در ایران در آن مقطع همراهی داشت و همه این‌ها سبب شده تا به عنوان یکی از شاعران متعهد معاصر ما شناخته شود. بهبهانی بیش از هرچیز با غزل‌هایش به یاد آورده می‌شود. او یکی از پیشگامان شیوه‌ای تازه در غزل فارسی است و رد بسیاری از مسائل اجتماعی و سیاسی را می‌توان در اشعار او یافت. کتاب ششم مجموعه «شعر زمان ما» به سیمین بهبهانی اختصاص دارد. در این کتاب، هم گزیده‌ای از اشعار بهبهانی منتشر شده و هم به بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های جهان شعری او پرداخته شده است. نویسنده این اثر، فیض شریفی، در بخشی از کتاب درباره او نوشته است: «سیمین اگرچه سنتِ کلاسیک شعرِ فارسی را ادامه داده ولی توانسته بارِ گران مضامینِ روز را به دلیل کوتاهی غزل و سادگی و خوش‌آهنگی و پرباریِ عاطفی، در بطونِ این قالب حمل کند. زبان و فرم شعری شاعر و کاربردِ واژگانی و ترکیبات و انسجام و وحدت موضوعی ابیات، تغییرِ زبان و بدایعِ تصویری و تعبیرات کارساز واژگانِ تازه‌ای که سیمین به کار می‌برد، باعث تحولی شگرف در این نوع شعر شده است. موضوع دیگری که سبک سیمین را برجسته‌تر کرده است تحول در اوزانی است که باعث ظرفیت تازه‌ای بر گنجاندن واژه‌ها و تعبیرها و تصویرها و ایجادِ فضای تازه در شعرِ او شده است. اوزانِ مستعمل و پرکاربرد باعث می‌شود که مجموعه‌ای از واژگان و ترکیبات و تعبیراتی را با خود بیاورد که خوگر با آن وزن است و خودبه‌خود شائبه تقلید را افزایش می‌دهد. قافیه‌هایی که شاعر به کار می‌برد تزاحمی با کار او ندارد. برای او قافیه‌ها حکم سنگریزه‌های رنگین را برای موزائیک‌ساز دارند به این معنی، شاعر به دنبالِ قافیه نمی‌رود و به دنبال جمع‌کردن قافیه و نوشتنِ آنها برای مضمون‌پردازی نیست. سیمین از آرایه‌های ادبی برای ایجادِ بدعت‌ها و شگردهای تازه استفاده کرده است. تشبیه‌ها، استعاره‌های موجز و ایهام‌های کارساز و ساده از ویژگی‌های کارهای اوست. او از آوردنِ صفاتِ فراوان و مبالغه‌های سطحی می‌پرهیزد. از سخنوری و طنطنه در کلام حذر می‌کند و اگر غرابتی در سخن او باشد، در ایجاد فضاهای تازه و شگفت‌انگیز است. آرایه‌های لفظی شاعر هم تکراری و کهنه و مزاحم نیستند. از آنها به حدِ معقول استفاده می‌کند تا آنجا که این زبان‌ورزی به شعرش تشخص و فرم می‌دهد و شعرش را از شلختگی و بی‌بندوباری و تصنع می‌رهاند».

«شعر زمان ما» در ابتدا نام مجموعه‌ای بود که توسط محمد حقوقی و به همت انتشارات نگاه منتشر می‌شد. در پنج جلد اول این مجموعه، حقوقی به بررسی اشعار نیما، اخوان، شاملو، سهراب سپهری و فروغ فرخزاد پرداخته بود و مرگ او سبب شد که مجموعه ناتمام بماند. اما پس از مدتی این مجموعه توسط فیض شریفی ادامه پیدا کرد و کتاب ششم مجموعه به سیمین بهبهانی اختصاص یافت. شریفی بر اساس روش محمد حقوقی در این مجموعه، ضمن تحلیل و نقد اشعار هر شاعر، به‌گزینی از سروده‌های اثرگذار هر شاعر را هم منتشر کرده است. در این مجموعه جز چگونگی سرایش شعرها و زبان شعری، درون‌مایه، جهان‌بینی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری آنان، ساختار شعری و فضاهای ویژه و توانمندی‌های شاعرانه و ضعف‌های آنان، زمینه‌های سیاسی و اجتماعی و تبیین و تشریح اشعار و دیدگاه شاعران و منتقدان و محققان مورد بررسی قرار گرفته است. کتاب‌های این مجموعه دو بخش مقدمه و بدنه دارند که در بخش اول به سبک و زندگینامه شاعر و در بخش دوم به گزیده‌ای از آثار او پرداخته شده است.

فیض شریفی در بخشی از کتاب درباره تنوع مضامین در اشعار بهبهانی نوشته: «سیمین بهبهانی تنوعاتی در مضمون و وزن و به‌کارگیری شیوه بیان در گفتار و نوشتار خود ایجاد کرده است. سبک شعر او در پس‌زمینه‌ای از بافت‌ها یا حوزه‌هایی گسترده‌تر شده است که مجموعه یا میزانی از ویژگی‌های زبانی است که به نظر ممیز هستند و از سبک دیگران متمایز می‌شود؛ مثلا سبک او به طور متعارف در سطح متن با سبک فروغ فرخزاد یا دیگر شاعران در شعرهای کلاسیک هم اثرِ انگشتِ خود را دارد. بیان طرح یا درونمایه هم ممیز و معنادار است. عادت‌های زبانی یا زبان شخصی سیمین بهبهانی از ذخیره بی‌پایان زبان کلاسیک و زبان رایج امروز کاملا آشکار است. او از عناصر زبانی، توزیع و الگوبرداری ادبیات سنتی بهره می‌برد و با زبان متداول و ساده امروزی آن را جوش می‌دهد».

**سیمین بهبهانی**
شعر زمان ما (۶)
**فیض شریفی**
**نشر نگاه**

عطف

## ناسیونالیسم انقلابی

**شرق:** اخیرا چاپ تازه‌ای از کتاب «کلنل پسیان و ناسیونالیسم انقلابی در ایران» نوشته استفانی کرونین با ترجمه عبدالله کوثری در نشر ماهی منتشر شده است. متن محوری این کتاب مقاله‌ای بلند از استفانی کرونین است با عنوان «ناسیونالیسم انقلابی در عمل: قیام کلنل محمدتقی‌خان پسیان در مشهد فروردین-مهر ۱۳۰۰». کوثری در پیشگفتار کتاب نوشته که انگیزه‌اش از ترجمه این مقاله نخست علاقه و احترامش به شخص کلنل بوده و دیگر اینکه نوشته کرونین، با حجم اندکی که دارد، از همه منابع موجود درباره قیام کلنل سود جسته و دور از داوری‌های یک‌سویه، شرحی دقیق از شخصیت خود کلنل و ویژگی‌های قیام او و اهیمت این رویداد در تاریخ معاصر و در کل حرکت ناسیونالیسم ایرانی به دست داده است.

برای تکمیل این مقاله چند سند معتبر نیز در کنار آن در کتاب منتشر شده است ازجمله «رساله دفاعیه» نوشته خود کلنل و نیز مقاله‌ای که درباره ژاندارمری ایران برای مجله «کاوه» نوشته است. همچنین مقاله‌ای درباره تلاش‌های دولت شوروی برای اخلال در خراسان و کشاندن این ایالت به دامان خود، به قلم ولادیمیر لنانیدوویچ گنیس. این مقاله برای آشنای با اوضاع خراسان پیش از ورود کلنل به این ایالت سودمند است و در عین حال ماهیت نیروهای مسلحی را نشان می‌دهد که بعد از به قدرت رسیدن کلنل و رژیم ژاندارم در خراسان به مخالفت با او برخاستند و در نهایت هم به تشویق و تحریک نخست‌وزیر ایرانی کشور یعنی قوام‌السلطنه در جنوب و شمال ایالت به غارت و ترک‌تازی روی آوردند و عرصه را بر او تنگ کردند و سرانجام سردار جوان را کشتند و سر از تنش جدا کردند. آبتین گلکار این مقاله را به فارسی برگردانده است.

کوثری نوشته که امیدوار است نسل جوان امروز با خواندن این کتاب با رویدادی مهم در تاریخ صدساله اخیر و نیز با سیمای نجیب و دوست‌داشتنی یکی از پاکبازترین دوستداران ایران آشنا شود. او در پایان پیشگفتارش شعری را که در سال ۱۳۴۲ به یاد کلنل و در توصیف صحنه شهادت او سروده آورده است.

در بخشی از مقاله کرونین می‌خوانیم: «در هنگامه این دعوا، در اواسط شهریور ۱۲۹۹، کلنل پسیان به مشهد آمد تا ریاست ژاندارمری ایالت را از ماژور جهانبانی تحویل بگیرد. در این ایام نام پسیان در مقام فرمانده نظامی که در مبارزات نیروهای ناسیونالیست در سال ۱۲۹۴ به کف آورده بود و نیز در مقام افسر دلیر و لایق که شخصا هم جدی و سختکوش و حتی متعصب و پاکدامن بود، بر سر زبان‌ها افتاده بود. او که گروهی پانزده‌نفری از افسران همفکرش را برای یاری‌کردن در تقویت ژاندارمری از تهران آورده بود، به محض ورود به مشهد دست به اصلاح رژیمان زد. پسیان برای تضمین پرداخت منظم مواجب افرادش به هر کار که می‌توانست دست زد، افراد ناکارآمد را اخراج کرد و به جای ایشان نفرات دیگری برگزید. اما اقداماتش در هر گام با موانعی روبه‌رو شد و کل فعالیتش به خطر افتاد، زیرا دست‌یافتن به همان حداقل بودجه تصویب‌شده نیز برای او محال بود. با فرارسیدن دی‌ماه ۱۲۹۹، او که تلاش چهارماهه خود را در مشهد شکست‌خورده می‌دید، پاک دلسرد شده بود. کلنل کمبود منابع مالی را به گردن قوام انداخت و تهدید کرد که اگر پول در اختیارش نگذارند، استعفا می‌دهد».

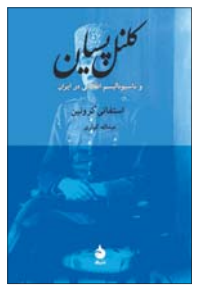

**«کلنل پسیان و ناسیونالیسم انقلابی در ایران»**
**استفانی کرونین**
**ترجمه عبدالله کوثری**
**نشر ماهی**